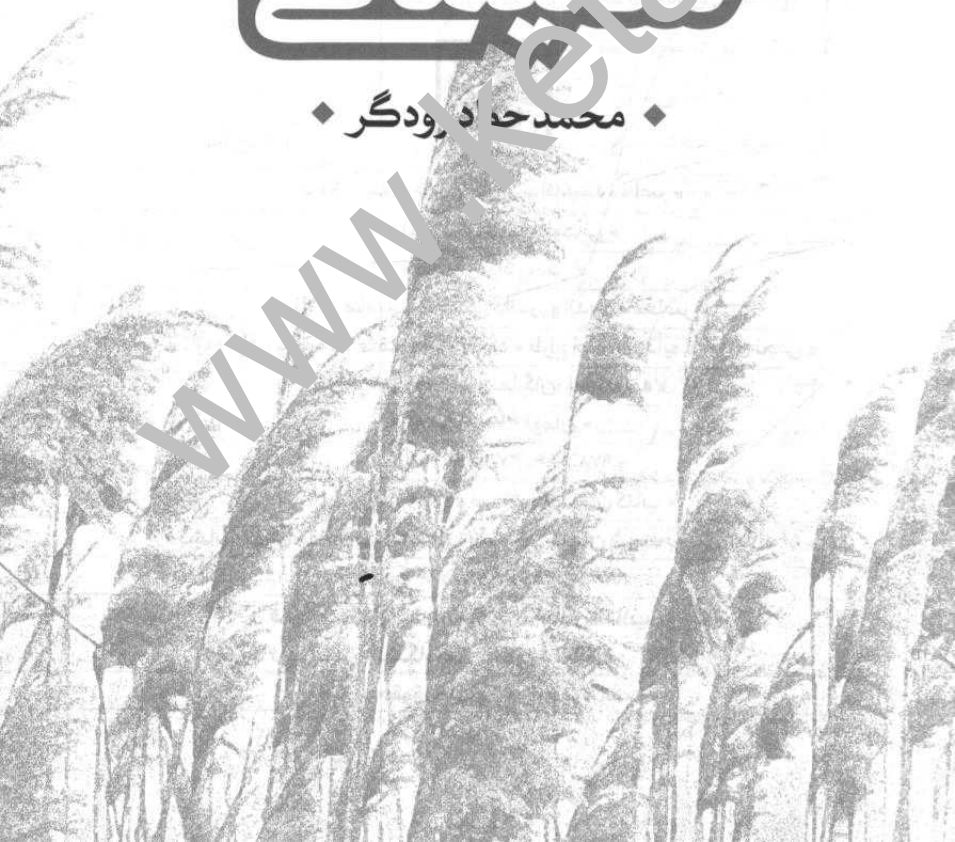


# سلوک در مکتب الایمان

♦ محمد حاد رودگر ♦



سرشناسه: رودگر کوهر، محمد جواد، ۱۳۴۲.  
 عنوان و نام پدیدآور: سلوک در مکتب سلیمانی / محمد جواد رودگر.  
 مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۹۹.  
 مشخصات ظاهری: ۲۶۴ ص. ۱-۷۰-۳۷۵-۹۶۴-۹۷۸ ISBN.  
 وضعیت فهرست‌نویسی: قیفا. یادداشت: کتابنامه.  
 موضوع: سلیمانی، قاسم، ۱۳۳۵-۱۳۹۸.  
 موضوع: Soleimani, Qasem.  
 موضوع: سلیمانی، قاسم، ۱۳۳۵-۱۳۹۸. -- اخلاق.  
 موضوع: Soleimani, Qasem -- Ethics.  
 موضوع: سرداران -- ایران.  
 موضوع: Generals -- Iran.  
 موضوع: آداب طریقت.  
 موضوع: Customs of the order\*.  
 رده‌بندی کنگره: DSR۱۶۶۸  
 رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴۰۹۲  
 شماره کتابشناسی ملی: ۶۲۱۷۸۶۳



- مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
- سلوک در مکتب سلیمانی
- محمد جواد رودگر
- ناشر: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
- تایپوگرافی بسم‌الله: حسین چمن‌خواه ■ طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی
- چاپ اول: ۱۳۹۹ ■ شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- قیمت: ۳۷۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۵-۰۷۰-۱
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: بوستان کتاب
- نشانی: تهران، تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶
- تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ ■ ۸۸۵۰۳۳۴۱
- فروشگاه کتاب اندیشه: تهران، خیابان انقلاب، روبروی
- درب اصلی دانشگاه تهران، پلاک ۱۲۴۸، تلفن: ۶۶۱۷۵۶۷۰
- کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ است ■

## فهرست

۹	مقدمه
۱۹	فصل اول: سلوک سائر
۲۲	۱. سلوک سلبی در احوال سهگ
۲۳	۲. سلوک سلبی در سیره همان ربی
۲۵	۳. مراحل سلوک سلبی
۲۷	۴. مصداق‌های سلوک سلبی
۲۷	۴-۱. سلب انایت، منیت و خودیت
۲۸	۴-۲. سلب غیرخدا از صحنه زندگی
۲۹	۴-۳. سلب استقلال و غنای وجودی از خود
۳۱	۴-۴. سلب غیرخدا در سلوک
۳۳	فصل دوم: سلوک سازگار
۳۵	۱. سلوک یسلمی (سلم و سلوک)
۴۱	۲. سلوک و ستیز با حب دنیا
۴۴	۳. سلوک و سکوت
۴۷	۴. شکستن و شکفتن
۵۰	۵. غم عشق معشوق
۵۱	۶. سیکبازی و سیکبالی
۵۳	۷. سلوک مبارزه‌جو

## فصل سوم: سلوک سازنده ..... ۵۷

۱. سلوک و تجلی ..... ۵۹
۲. سلوک و سحر ..... ۶۰
۳. سفر سلوکی ..... ۶۲
۴. برای خدا بودن ..... ۶۴
۵. خود ندیدن ..... ۶۶
۶. سلوک توحیدی ..... ۶۹
۷. سلوک و خلوص ..... ۷۱

## فصل چهارم: وکی صائب ..... ۷۳

۱. شهباز ..... ۷۵
۲. بوی وصل ..... ۷۹
۳. رفیق سلوکی ..... ۸۱
۴. صراط سلوک ..... ۸۴
۵. سلوک فلسفه زندگی ..... ۸۵
۶. سلوک و وجه رب ..... ۸۸
۷. خویان عطرآگین ..... ۹۱

## فصل پنجم: سلوک صادق ..... ۹۵

۱. سلوک و وصل به اصل ..... ۹۷
۲. زندگی، یعنی عشق ..... ۹۹
۳. سلوک اجتماعی ..... ۱۰۳
۴. دستورالعمل سلوکی ..... ۱۰۵
۵. حرکت و برکت ..... ۱۰۹
۶. نیاز و ناز ..... ۱۱۲
۷. سلوک با ولایت ..... ۱۱۵

## فصل ششم: سلوک صالح ..... ۱۱۹

۱. تولد دوباره ..... ۱۲۱
۲. راه شهیدشدن ..... ۱۲۶
۳. آغاز و انجام ..... ۱۲۹

۱۳۳	۴. مراقبه سلوکی
۱۳۸	۵. سلوک اخلاقی و عرفانی
۱۴۲	۶. رابطه‌ها در سلوک
۱۴۴	۷. خدا در متن زندگی
۱۴۷	<b>فصل هفتم: سلوک جامع</b>
۱۴۹	۱. سلوک و مردم‌دوستی
۱۵۲	۲. ربه خلی
۱۵۳	۳. صراط مستقیم سلوکی
۱۵۶	۴. رفتن و بیدن
۱۶۳	۵. معرفت
۱۶۵	۶. عبودیت سلوکی
۱۶۸	۷. صبر و سلوک
۱۶۹	۸. نماز و سلوک
۱۷۱	۹. غذای روح
۱۷۵	۱۰. سلوک با قرآن
۱۷۵	۱۱. عکس سیر اول
۱۸۰	۱۲. از خدا، خدا را خواستن
۱۸۲	۱۳. نور ظاهری و باطنی
۱۸۴	۱۴. صدق قول و فعل
۱۸۷	<b>فصل هشتم: سلوک ولایی</b>
۱۸۹	۱. پایه‌های دفاع مقدس
۱۹۰	۲. اتصال به ولایت
۱۹۳	۳. مخاطب فرشتگان
۱۹۵	۴. آشنای غریب
۱۹۸	۵. رزق سلوکی
۲۰۱	<b>فصل نهم: سلوک و صلوات</b>
۲۰۳	۱. فلسفه صلوات
۲۰۳	۱-۱. نورانیت دل

۲۰۴.....	۱-۲. افزایش عشق و محبت.....
۲۰۴.....	۱-۳. سنخیت وجودی.....
۲۰۵.....	۱-۴. الگوپذیری از انسان کامل معصوم (ع).....
۲۰۵.....	۱-۵. اطاعت‌پذیری از پیامبر (ص) و عترت طاهره‌اش (ع).....
۲۰۶.....	۱-۶. گناه‌زدایی از صحنهٔ دل.....
۲۰۶.....	۱-۷. نفاق‌ستیزی تا نفاق‌زدایی.....
۲۰۶.....	۱-۸. همراهی و همراهی با معصومان (ع).....
۲۰۸.....	۱-۹. عامل استجاب دعا.....
۲۰۸.....	۱-۱۰. بیان و اظهار اشرفیت پیامبر اکرم (ص) و عترت طاهره‌اش (ع).....
۲۰۹.....	۱-۱۱. بران راه و می‌فروشان تنها آن ذوات نوری‌اند.....
۲۱۰.....	۱-۱۲. مشق عشق و معاشقه با پیامبر (ص) و عترت پاکش (ع).....
۲۱۰.....	۱-۱۳. طرح و بیان خصالهٔ قرآن و عترت و جدایی‌ناپذیر ثقلین.....
۲۱۰.....	۱-۱۴. عاقبت در بین رفتن و آخرت.....
۲۱۱.....	۲. ثمرهای سلوکی صلوات.....
۲۱۱.....	۲-۱. عرفان و ایقان به مقام و حرکت پیامبر و آل پاکش.....
۲۱۱.....	۲-۲. محرم اسرار آل الله شدن.....
۲۱۲.....	۲-۳. تصعید و رفعت مقامی و مکانتی.....
۲۱۳.....	۲-۴. طهارت و نزاهت وجودی.....
۲۱۵.....	۲-۵. بیداری و بصیرت.....
۲۱۹.....	جمع‌بندی.....
۲۲۳.....	کتابنامه.....
۲۳۳.....	فهرست آیات.....
۲۴۳.....	فهرست روایات.....
۲۴۷.....	فهرست اشعار.....
۲۵۳.....	نمایه.....
۲۵۷.....	نمایه موضوعی.....

## مقدمه

مکتب الیمانی، مثلاً هر مکتب دیگری دارای ساحت بینشی-نگرشی، گرایشی-منشی و مکش<sup>۱</sup> - وشی است که اگر بخواهیم با ادبیات عصری از آن یاد کنیم، مکتبی است که دانش و ارزش یا «هست»ها و «باید»ها و به بیان دیگر جهان بینی و ایدئولوژی را برآمار دارد. در این مکتب «معرفت» با گزاره: «اول الدین معرفته»<sup>۲</sup> و «محببت باگاره: هل الدین الا الحب»<sup>۳</sup> پشتیبان «شریعت» و گفتمان مسلط بر آن «توحید» است. در این مکتب برترین کمال و بزرگترین کرامت «عبودیت» است و همه این حقایق ذیل و ظل «امامت و ولایت» تعریف پذیر و تحقق یابنده اند، همان طوری که در حدیث: «بناعرف الله، بناعبده الله، بنا وحد الله»<sup>۴</sup> نیز بدان تصریح شده است. آنچه از راز «سلوک» متبادر به ذهن می شود، سلوک عرفانی است و این تبادر نیز علامت «حقیقت» است، لکن با عنایت به مبانی و منابع و حیانی عرفان، سلوک به امور باطنی و مبادات متعارف و اذکار و اعمال خاص عبادی منحصر نیست، بلکه سلوک عرفانی در معارف و حیانی قابلیت تعمیم در عرصه های فردی، خانوادگی و اجتماعی داشته

۱. نهج البلاغه: خ/۱/ حدیث نبوی: «أَوَّلُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ الْجَبَّارِ وَ آخِرُ الْعِلْمِ تَفْوِضُ الْأَمْرِ إِلَيْهِ» (محمد بن محمد غزالی؛ کیمیای سعادت؛ ج ۲، ص ۴۰۴).

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۱۲۵/ احمد بن ابی عبدالله برقی؛ المحاسن؛ ج ۱، ص ۲۶۲/ فرات بن ابراهیم کوفی؛ تفسیر فرات الکوفی؛ ص ۴۲۸/ محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۶۵، ص ۶۳.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ کافی؛ ج ۱، ص ۱۴۴.

و همه اضلاع و ابعاد زندگی سالک را شامل می‌شود؛ بنابراین سلوک مصداق‌های مختلفی را در بر می‌گیرد، در واقع بر اساس نصوص و آموزه‌های دینی می‌توان سلوک معنوی- باطنی را به سلوک: الف) عبادی خاص، ب) عبادی عام تقسیم کرد تا در خاص مصداق‌هایی مثل نمازها و روزه‌های واجب و مستحب، ذکر خدا، ادعیه و نیایش‌ها و... و در عام مطلق فعالیت‌های سالک را با قید «قیام لله» یا برای «خدا بودن»، انجام تکالیف فردی و اجتماعی در ابعاد مختلف از خرد و کلان را دربرگیرد و سلوک در مکتب سلیمانی، سلوک خاص و عام است تا شامل همه ساحات (عرضی) سطوح (طولی) شده و سلوک اخلاقی، سلوک با همسر و فرزندان، سلوک اقتصادی، سلوک عبادی، سلوک سیاسی، سلوک فرهنگی و اجتماعی، سلوک نظامی و امنیتی را با مراتب و درجاتی که از پایین در رسید؛<sup>۱</sup> بنابراین سلوک در این مکتب، منظومه‌ای و در یک هندسه معرفتی- معرفتی رفتاری روشمند است تا هیچ فعل و انفعال، کنش و واکنشی خارج از این سبانه سلوکی تعریف نشود. به بیان دیگر سلوک در مکتب سلیمانی جامع اندیشه، انیژه و انگیزه‌هاست و وصیت‌نامه آن شهید عظیم‌الشان چکیده و خلاصه حیات طیبه، سلوک، او است و شاهد مثال بسیار عالی در این خصوص است که همه وجوه و جنبه‌های یادشده را دربردارد، از اعتقادات، اخلاقیات و احکامیات تا سیاست و اجتماعات؛ بنابراین مکتب سلیمانی، مکتب خداگرایی و خداباوری، بندگی حاکمان خدا، حاکمیت شریعت حق در زندگی، احقاق حق و اقامه عدل بود. مکتبی که ثلث طیبه عقلانیت، عدالت و معنویت را بهم پیوسته دربردارد.

۱. همان‌گونه که در نامه راهبردی امام خمینی رحمته الله علیه خطاب به فرزندش، مرحوم احمد آقا صراط سلوک تبیین شده است: «پسرم! نه گوشه‌گیری صوفیانه دلیل پیوستن به حق است و نه ورود به جامعه و تشکیل حکومت، گسستن از حق است؛ میزان در اعمال، انگیزه‌های آنهاست. چه بسا عابد و زاهدی که گرفتار دام ابلیس است و آن دام گستر، با آنچه متناسب او است، چون خودبینی و خودخواهی و غرور و عجب و بزرگ‌بینی و تحقیر خلق الله و شرک خفی و امثال آنها، او را از حق دور و به شرک می‌کشاند و چه بسا متصدی امور حکومت که با انگیزه الهی، به معدن قرب حق نایل می‌شود».



سردار شهید سلیمانی آن مرد آسمانی به گونه‌ای زیست و به جایگاهی دست یافت که به «مکتب» تبدیل شد و مولایش در تبیین منزلتش فرمود:

ما به حاج قاسم سلیمانی به چشم یک فرد نگاه نکنیم، به چشم یک مکتب نگاه کنیم، یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز با این چشم نگاه کنیم.

منه نسی که ماده و صورت آن در دل مکتب امامین خمینی علیه السلام و خا علیه السلام (صلی الله تعالی) شکل و شاکله یافت و سلیمانی آبرمرد تاریخ و سیدان شهدای مقاومت شد.

مکتب سلیمانی منظومه معرفتی، معنویتی و تربیتی امام و رهبری، قابلیت بیان و تبیین دارد... اگر می‌توانیم به این مکتب راه یابیم اولاً باید زیست اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی دار را مورد مطالعه و مذاقه قرار دهیم... ثانیاً باید سبک زندگی سردار را در ارتباط با خدا، خود، خانواده و جامعه در پرتو ارتباط با زیست پیامبر و عترت طاهره علیهم السلام و نقشه راهی که شریعت حق محمدیه علیه السلام تعیین و تبیین کرد، تنظیم کرد و در متن زندگی‌اش تشخص و تعین بخشیم تا به مکتب او پی ببریم. در مکتب سلیمانی، عقل و عشق معاضد هم‌اند نه متضاد با هم.<sup>۲</sup> در این مکتب، سجاده و سنگ شمشیر و شهود، جهاد درون و برون در هم تنیده‌اند. مکتب سلیمانی در وصیت‌نامه‌اش که از جامعیت مخصوص به خود، همراه با خلوت و حرارت است و در عین حال سوز

۱. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه نماز جمعه ۹۸/۱۰/۲۷

۲. چه دلنشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفارشی به علی علیه السلام فرمود: «یا علی! إذا تقرب العباد الی خالقهم بالبر ففقرَّب إلیه بالعقل تسبیحهم» (محمد غزالی: مشکاة الانوار؛ ص ۲۵۱) ای علی علیه السلام هرگاه بندگان با نیکوکاری به خدای خویش تقرب می‌جویند تو با عقل خویش به خدا تقرب بجوی تا از دیگران پیشی گیری. ابن فناری درنسبت تعاضدی عقل و کشف گفته‌اند: «هو الکشف الصریح والدوق الصحیح مع مساعده العقل النظری فی الکل اذ لاتناقض حجه حجه» (محمدابن حمزه فناری: مصباح الانس؛ ص ۷) در این زمینه علامه جوادی آملی می‌فرماید: «انسان آنگاه که به مرحله عشق می‌رسد تازه می‌فهمد که عقل حقیقی همان «عقل برین» است که او دارد و دیگران گرفتار عقال و وهم‌اند و آن را عقل می‌پندارند...» (عبدالله جوادی آملی: تفسیر موضوعی قرآن مجید؛ ج ۱۱، ص ۷۱).

و گداز درونی و تعهد و تعبد به انقلاب و نظام اسلامی ولایی برخوردار است، تجلی یافت. در مکتب سلیمانی، حماسه و عرفان، انقلاب درونی و باطنی با انقلاب فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی توأم شده است. در این مکتب درد خدا و درد خلق خدا، عبادت و راز و نیاز با کسب روزی حلال قرین هم و بلکه بهم پیوسته‌اند. در مکتب سلیمانی همه خلق «عیال الله» اند<sup>۱</sup> و خدمت به آنان نازل خیرسانی معبود به عبد و کارگشایی مردم و گره‌گشایی از کارفروسته آنان تبلور فیض و فضل الهی است که به کسی که خدا بخواد، داده و روزی اش بکند. در این مکتب جهاد اصغر، اوسط و اکبر<sup>۲</sup> با جهاد برای معاند حلال، طب و طاهر با صیانت از امنیت روحی جامعه از هر جهت پیوند وجودی دارد. در مکتب سلیمانی نماز اول وقت، زیارت عاشورا، دعای کمیل، دعای توسل و با جبهه دفاع از کشور و شهر و دیار با دفاع از حرم معصومین و معصومان و گرامی کردن<sup>۳</sup> دفاع از حرم و حریم نظام مقدس جمهوری

۱. اشاره به حدیثی از رسول خدا ﷺ که فرمود: «الخلق عیال الله، فاحب الخلق الى الله من نفع عیال الله، و ادخل علی اهل بیت سرور». مردم عائله خدا هستند؛ پس محبوب‌ترین کس نزد خدا، آن است که به عائله او سود رساند و خانواده‌ای خوشدل کند. (محمد بن یعقوب کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۱۶۳).

۲. استاد جوادی آملی در تبیین جهادهای سه‌گانه فرمودند: «در سلسله عدل، با تقوا و آدم خوبی شد. به هجرت وسطی موفق شده است، نه هجرت کبری، هجرت کبری که انسان به مرحله عدل و تقوا بالاتر رفته، به مرتبه والای محبت برسد یک انسان محب دست و سر را در اسباب خدا فدا می‌کند (عبدالله جوادی آملی؛ بنیان مرصوص؛ ص ۳۸-۳۹) و در موضعی دیگر با اشاره از حلیل سید حیدر آملی می‌نویسند: جهاد سه گونه است: ۱. جهاد اصغر که نبرد با دشمن بیرونی در دین و دگر است؛ ۲. جهاد اوسط که درگیری درونی انسان با خویش بر سر مسائل اخلاقی است (سید حیدر آملی؛ رساله شریعت، طریقت، حقیقت؛ ص ۲۴۴-۲۵۰) مانند جنگ میان تقوا و طغیان، عدل و ظلم، حق و باطل، صدق و کذب، حسن و قبح؛ ۳. جهاد اکبر که نبردی میان عقل و عشق است نه نبرد عقل و شهوت یا عقل و غضب» (عبدالله جوادی آملی؛ شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی؛ ص ۱۹۳-۱۹۴) و به همان میزان هجرت صغری مانند کوچیدن از مکه به مدینه، هجرت وسطی مانند تحول درونی از ردیلت اخلاقی به فضیلت آن، هجرت کبری نظیر انتقال از حصول به حضور، عروج از معقول به مشهود، سفر از علم الیقین به عین الیقین و سیر از عین الیقین به حق الیقین تقسیم و تفسیر می‌نماید (همان، ص ۱۹۶).

اسلامی گره خورده است. این مکتب شاخصه‌های فراوانی دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از: ۱. توحیدمداری، ۲. معنویت متعالیه، ۳. مجاهدت بی‌وقفه، ۴. اخلاص، ۵. تدبیر و مدیریت راهبردی، ۶. شجاعت، ۷. نظم و انضباط، ۸. نگاه باز و فراجناحی، ۹. شهادت‌طلبی، ۱۰. ولایت‌پذیری، ۱۱. توکل بر خدا و توسل به اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، ۱۲. انس با قرآن و ادعیه، ۱۳. انقلابی عاقل و خایم، ۱۴. خدمت به مردم، به‌ویژه محرومان، ۱۵. سلوک مستمر و حشر و سرسپه‌ها و خانواده آنان.

چیز زیبا این سخن سدید و گرانسنگ بر سر زبان‌ها جاری شد که «شهید سلیمانی» ندرتم‌تر از «سردار سلیمانی» است که در واقع این اصطلاح قدرت نرم پویا و پدید جامعه اسلامی و انقلابی است. توگویی اراده خدا بر این تعلق گرفت که سردار سردار توحیدی‌اش را به «شهید سلیمانی» ارتقای وجودی دهد تا برای همیشه در ابد جاودانه مانده و نقش او بر جریده عالم ثبت گردد و در سایه شجره صیقل‌بخش جهادی «بیل‌الله» برای همه اعصار و امصار، اسوه حسنه «مقاومت و امنیت» باشد.

شهید سلیمانی به نشانه حکمت، قدرت و آلاء علم و اراده خدای سبحان تبدیل شد و از رهگذر «ایمان» و «عمل صالح»، عسکر در دل‌ها، نهادینه، بذل محبتش در سرزمین جان‌ها، کاشته و «وَدَّ» و «مودت» او در ذهن و ضمیر آدمیان ماندگار شد<sup>۱</sup> و «حرارت» محبت و مودت او، حرکت و مسئولیت<sup>۲</sup>

۱. همان‌طوری که حضرت آقا در خصوص جهاد مستمر و آرزوی شهادتش مرقوم فرموده‌اند: «سال‌ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان‌های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و سال‌ها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت... جهاد سردار شهید قاسم سلیمانی جهاد بزرگی بود و خداوند نیز شهادت او را شهادت بزرگی قرار داد. حاج قاسم باید همین‌جور به شهادت می‌رسید. خوش‌به‌حال حاج قاسم که به آرزویش رسید، او شوق شهادت داشت و برای آن اشک می‌ریخت و داغدار رفقای شهیدش بود» ۱۳/۱۰/۱۳۹۸.

۲. مقام معظم رهبری: «شهید سلیمانی چهره بین‌المللی مقاومت است و همه دلبستگان مقاومت خونخواه اویند» ۱۳/۱۰/۱۳۹۸.

۳. ناظر به مریم: ۹۶ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا».

ایجاد کند. او از «دل سَر» داد تا «سردار دل‌ها» شد. سلیمانی «سربدار» بود تا «سربلند» شد.

«چله سلوکی» سردار سپهبد شهید سلیمانی در «چهل سال» انقلاب اسلامی رقم خورد تا «فاتحه الکتاب شهادت» در «گام دوم انقلاب» گردد و شهادت او، بیمه‌کننده حقیقت انقلاب و نظام اسلامی برای نیل به دولت و پامع اسلامی و آنگاه تکوین و تکامل تمدن نوین اسلامی شد.

سردار سلیمانی مرد تمام‌ناشدنی و دارای امتداد تاریخی تحول‌آفرینی است... در روز ما کار دارد، او زنده هست، زنده‌تر از همیشه. به تعبیر مقام معظم رهبری: «با رفتن سردار شهید قاسم سلیمانی به حول و قوه الهی کار او و راه او متوقف نبوده و خواهد شد».<sup>۱</sup> خدای سبحان آتش محبت او را در تنور دل و جانمان شعله‌ور کرد. ربانه‌هایش همواره به سوی آسمان است و شعله‌هایش نور و حرارت‌زایی و در نتیجه حرکت‌آفرینی می‌کند... سلیمانی برای همه هابطیان، هادی شد و شهادت غبار غفلت را از راه سعادت و صلاح و سداد زدود و پرده‌های جهالت و جمود را همراه حجاب‌های التقاط و الحاد پاره کرد. انگار خدای سبحان او را قاسم روزی معرف و معنویت برای احقاق حق و اقامه عدل کرد و معیار دین و دین‌داری و حسن انتسابی شدن، انقلابی بودن، انقلابی ماندن و انقلابی مردن نمود تا کسی راه را گم نکرده، کژراه نرفته و در دام افراط و ویل تفریط گرفتار نشود.

سردار سلیمانی، از «اولیاء الله» بود. او فرشته‌ای آسمانی رد کند در میان ما زندگی می‌کرد. رنگ و رایحه‌ی خدایی و بوی بهشت داشت، بلکه نه «بهشت» بود و مفهوم و مصداق: «فَرُوحٌ وَرِیحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِیمٌ».<sup>۲</sup> راز این ارتقای وجودی‌اش

۱. پیام ۱۳۹۸/۱۰/۱۳.

۲. واقعه: ۸۹. مرحومه بانو امین در تفسیر مخزن العرفان از قول برخی عارفان در معنای این آیه نقل کرده‌اند: «و از بعضی عرفاست که مقربین را روح وصال و ریحان جمال و بهشت جلال است، روح او روح انس و قلب او ریحان قدس و نفس او جنة فردوس است، روح او نظر به سوی وجه جبار و ریحان او استماع کلام جبار» (نصرت امین بانوی اصفهانی: مخزن العرفان در تفسیر قرآن؛ ج ۱۳، ص ۱۰۹).

این است که سلیمانی با اتصال به «ولایت» به این مقامات معنوی و فتوحات غیبی رسید و فاتح دل‌ها شد. او از باب «ولایت فقیه» وارد مدینه ولایت معصوم و شهر امامت شد و از رهگذر نسیم ولایت عاقبت به خیر، آن هم عاقبت ختم به فیض و فوز شهادت شد؛ پس ای عزیز که دل‌نوشته توأم با معارف و حیانی را پیش روی داری در آموزه «اتصال به ولایت»، «فتدبر».

به دور این کمترین، اگر طالب فهم و شهود، درک و دریافت سردار دل‌ها هستی باید به درون سردار رفت و او را نیز به درون خود آورد... شبیه‌سازی کرد و مشابهت و مشابَهات با سردار پیدا کرد و این تنها با «عشق» ممکن خواهد بود. عشق است که می‌جانست، مسانخت، مشابهت و مشاکلت با معشوق می‌بخشد و این «مجرم عشق» است که محب قرب و جودی به محبوب پیدا کرده و در این قرب پنهان شده می‌یابد که «سلمان فارسی»، بدل به «سلمان محمدی» کرده و نشان: «منا اهل البیت»<sup>۱</sup> را نشانه خویش می‌کند و سردار سربدار «ولایت» از شدت عشق شبیه «وئی» شده و صورت، سیرت و سریرت ولانی یافت. اگر با آیات: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشِدَّ حُبًا لِلَّهِ»<sup>۲</sup> آشنا و با «يَجِبُهُمْ وَيَجِبُونَ»<sup>۳</sup> انس داشته باشیم؟ می‌بایم که این آیات برانگیزد و خجسته وجودی «محب» با «محبوب» است تا آنجایی که «محبوب» را «محب» خویش می‌کند و داستان صیرورت سلیمانی آسمانی نیز از همین قبیل است نه «محبوب»، «محب» او

۱. آیت‌الله بهاء‌الدینی در مورد چگونگی «منا اهل البیت» شدن سلمان فارسی فرمودند: «سلمان از نظر روحانیت، اهلیت پیدا کرده است و یک سنخیت روحی با پیامبر اکرم (علیه السلام) پیدا کرده است، اما به این مقام رسیده است. کسانی که قرب به اهل بیت پیدا می‌کنند و ولایشان قوی می‌شود، یک نوع سنخیتی با اهل بیت پیدا می‌کنند. یک نفر را در خواب دیدم که لباس سیادت پوشیده بود و او مردی وارسته و اهل خیر بود و به ضعفا بسیار رسیدگی می‌کرد و ما در مجلس او غیبتی نشنیدیم. به اهل علم بسیار علاقه‌مند بود، به ما نیز علاقه داشت. می‌گفت: دیشب خوابیم نبرد؛ چون که دیشب از همسایه‌ام خبر نداشتم و واقعیت هم می‌گفت و اینها بود که او را مقرب اهل بیت کرده بود (اکبر اسدی: سلوک معنوی حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی؛ ص ۱۳۴-۱۳۵).

۲. بقره: ۱۶۵.

۳. مانده: ۵۴.

شده و «مراد» ش، «مرید». این است برکت «اتصال به ولایت» که فرمول زیست سلیمانی بود و بیس «رهبر» و «رهرو» رابطه وجودی مانایی مثل رابطه «پیر» و «پیرو» برقرار کرد و این پدیده‌ای استثنایی است که هر از گاهی در قرون مختلف محقق خواهد شد...

آنچه به رشته نوشته درآمد ترکیبی از ادبیات عاطفی-احساسی، عقلی-دراکی و عرفانی-اشراقی است که جنبه حال و قال دارد. نوشته‌ای که در حالات و روحیات متنوع با روح و رویکردهای متکثر تحت عناوینی لباس آغشته است. «تأیید این است که از روز شهادت این «وجه عندالله» که به مقام نثر به «وجه الله» دست یافت<sup>۱</sup> و در مرتبه وجودی اش خود «وجه الله»<sup>۲</sup> شد، در ده روز و نیم خطور کرد در حد «بِضَاعَتِ مُزْجَات» خویش با نوشتن مطلبی، نسبت به مقام ماسخ او ادای دین نموده و حق بزرگی که به گردن همه

۱. پیامبر اکرم ﷺ در بیان مقام شهادت - صلت - شمرده‌اند که هفتمین آن چنین است: «نگاه به «وجه خدا» می‌کند و این برای هر یار و یارسان رهایی از هر رنج و ناراحتی است» (حسن بن علی حرعاملی؛ رسائل الشیبه؛ ج ۱۵، ص ۱۶، ارب الصلاة، باب ۱، مسلسل ۱۹۹۲).

۲. علامه طباطبایی رحمه الله «کل من علیها فان یبقی و... ربک ذوالجلال والاکرام» رحمن: ۲۶-۲۷. می‌فرماید: ۱. «ذوالجلال والاکرام» صفت وجه است. وجه به همین سبب مرفوع است نه مجرور، این از آن جهت است که اگرچه خود رب نیز همه اسماء الهی را دارد، اما عارف اهل شهود هرگز دسترسی به مقام ذات ندارد و آنچه او مشاهده می‌کند روی یار است. «این سبب آیه شریفه مزبور نیز صفت وجه حق تعالی و روی یار را بیان کرده است. این نکته از حیث معرفت اختی مهم هست که عارفان و شهیدانی که در مرتبه خود عارفانند توانایی نظریه وجه رب و شناخت شهود وجه حق تعالی را ندارند نه شهود ذات حق که مشهود احدی نخواهد شد. ۲. از حیث انصاف به اوصاف الهی نیز با توجه به اینکه همه قراء نیز کلمه «ذو» را در حالت رفع قرائت کرده‌اند و با اینکه خود حق تعالی به طریق اولی صاحب جلال و جمال (همه اوصاف کمالی) است لکن این کریمه در وصف وجه الله نازل شده، نه ذات اقدس الهی و به بیان دیگر مؤمنان و عارفان واصلی که خود وجه الله‌اند، همه اوصاف و اسماء کمالی را که ذیل جلال و جمال است واجدند. (ر.ک: سید محمد حسین طباطبائی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۹، صور رساله الولایه فصل ۴-۵/ر.ک: عبدالله جوادی آملی؛ تحریر رساله الولایه؛ ج ۲، پاورقی صص ۳۱۳، متن ۳۷۶ و ۴۱۴-۴۱۸)؛ بنابراین شهیدان که نظر به وجه الله کرده‌اند خود وجه الله شده و عارفان واصلی‌اند که همه اوصاف و اسماء کمالی ذیل جلال و جمال را دارا گشته‌اند؛ البته شهیدان نیز دارای مراتب و درجات مختلف‌اند.

امت اسلامی، بلکه بشریت دارد، انجام وظیفه کنم. به همین منظور به یادداشت برداری اقدام و برخی مؤلفه‌های سلوکی متناظر به شخصیت شهید والامقام و رفیع الدرجه را نوشتم، تا اینکه فرصتی مناسب ایجاد شد و به صورت دل‌نوشته، مسائلی را قلمی کرده<sup>۱</sup> و آنگاه آنها را به صورت ترکیبی که ملاحظه می‌فرمایید، تدوین نموده و یقین دارم، قطره‌ای در برابر دریای وجود ذی جلال آن سردار شهید و «چوشیمی است که بر بحر می‌کشد رقمی». کاستی‌های نوشتار فراوان است و امید به اغماض اهالی معرفت و معنویت و درعین حال ترمیم و تکمیل آن دارم.

بارِ الهی! یک آگهی که این وجیزه را تنها به امید رضایت دلِ مولا و مُراد شهید، یعنی امامِ حجت‌ای (ادام الله ظله الوارف) و شفاعت سردار به‌ابدیت پیوسته و جاودانه نوشتم، پس به گرم خویش بپذیر و زادراه سفر ابدی‌ام قرار ده.

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علیه و آله الطاهرین سیمای بقیه الله فی الارضین (عج)

محمّد بنواد رودگ

قم، سه‌شنبه، مورخ ۹۸/۱۱/۲۰

مقارن با ۱۵ رجب المرجب ۱۴۱۱ هـ

وفات (شهادت) عقیله بنی‌هاشم، زینب

کبری (س) و سالروز ولادت سردار سلیمان

۱. دل‌نوشته‌هایم را در سفری که داشتم، از روز چهارشنبه ۹۸/۱۲/۶ شروع کرده و آنگاه پس از بازگشت از سفر، از ۹۸/۱۲/۱۵ به ویراست علمی و ترکیب‌سازی با نوشته‌های قبلی و بعدی نمودم.